

ادبیات  
اقتصاد  
تاریخ  
تربیت بدنی  
جغرافیا  
حقوق  
روانشناسی  
زبان شناسی  
علوم اجتماعی  
علوم اسلامی  
علوم سیاسی  
علوم کتابداری  
فلسفه و منطق  
مدیریت  
مطالعات زبان  
مطالعات هنر  
علوم انسانی

ادبیات < انواع ادبی < ادبیات نمادین

کد مطلب: ۹۷۲۳۱

تعداد نمایش: ۵۶۱

## **« رویکردهای فلسفی، عرفانی و روان شناختی سلمان و اِبسال جامی مهوش واحد دوست**

چکیده: درباره "سلمان و اِبسال" حدود سه روایت با تفسیرهای متفاوت موجود است. جامی روایت حنین بن اسحاق و ابن سینا را به نظم کشیده و همانند خواجه نصیرالدین طوسی به تفسیر آن پرداخته است. این روایت با کمی اختلاف همان روایت یونانی حنین بن اسحاق است، تفسیر وی نیز شبیه تفسیر خواجه نصیر است و بیشتر جنبه فلسفی و اخلاقی دارد. تقریباً اولین کسی که به نقد سلمان و اِبسال ابن سینا پرداخته، امام فخر رازی است. بعدها خواجه نصیر نظر امام فخر را رد می کند. او معتقد است مراد از "سلمان" نفس و مراد از "اِبسال" درجه و مقام تو در عرفان و "ملک" عبارت از عقل فعال و "حکیم الهی" عبارت از فیض الهی است که بر عقل فعال فایض می شود. عباس احمد، دانشمند مصری، شارح دیگری است که با دید فلسفی، به "سلمان و اِبسال" پرداخته است. در دوران اخیر هنری کربن به تفسیری عرفانی و روان شناختی سلمان و اِبسال پرداخته و نظریه خواجه نصیر را نقد کرده است، به عقیده وی سلمان و اِبسال داستانی هرمسی است که به شرح مدارج راز آموزی عرفانی قهرمان برحسب استحاله های باطنی و سلسله مراتب تبدیل عارف می پردازد. افزون بر این رهیافت های عرفانی و روان شناختی می توان به رگه های دیگری از مایه های روانشناختی در سلمان و اِبسال دست یافت. فضای همه رخدادهای این داستان تمثیلی همانند داستان های تمثیلی سهروردی عالم خیال و یا رویا و خواب است. در مقالات شمس تبریزی نیز به این عالم، در پیوند با دگرگونی های روح عارف و درون او توجه شده است.

منابع (نشریه):

دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی، مشهد ۱۳۸۱، شماره ۳-۴